



## Combinational Assessment of the Factors Affecting Public Participation in Iranian Educational Policies

**Hamidreza Ebrahimi Kiasari** 

Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: h.ebrahimi.kiasari@qiau.ac.ir

**Seyyed Mahdi Alvani** \* 

\*Corresponding Author, Prof., Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: alvani@qiau.ac.ir

**Gholamreza Memarzadeh Tehran** 

Associate Prof., Department of Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: govmanagement@srbiau.ac.ir

### Abstract

#### Objective

Having citizens' participation, the tension between the legal power of organizations and the social power of citizens would be de-escalated, and policies would be more efficient and effective. There is an issue of non-alignment and non-compatibility between public efforts and the government's actions concerning educational policies in Iran. The purpose of this study, considering the model of public participation in educational policies (Ebrahimikiasari et al, 2022), is to examine the relationships between the factors affecting public participation in educational policies. It also seeks to investigate their prioritization to provide an interpretable summation of the findings.

#### Methods

In this research, we used a multi-strategy approach. After identifying the intensity of regressions between factors, each factor's weight was determined through Fuzzy Hierarchical Analysis. Then, an innovative AHP-SEM model was developed in two dimensions. Using the calculated weight as the priority of factors in one dimension, and their incoming regression as explainability in the other dimension, the model created four clusters. Clustering these factors based on explainability and weight was done based on the severity of scales introduced in the dimensions i.e., Immediate Action, Research, Desirable, and Monitoring.

#### Results

Based on the calculated regression coefficient, information, and executive organization factors were the most explainable. Interestingly, the explainability of the justice factor

declined to half of the highest explainable factors. Nonetheless, in the hierarchical analysis method, legal support and justice accounted for nearly half of the total weights followed by the executive-level factors. The two-dimensional AHP-SEM model placed legal support, executive organization, and information in the Immediate Action Cluster. Support in the Research Cluster, as well as citizens' beliefs and capabilities, were in the Desirable Cluster. The social level factors were in the Monitoring Cluster.

### Conclusion

According to the findings, since the factors of executive organizations, information, and legal support that are associated with the Immediate Action cluster have both high priority and explainability power, they can be improved by developing their independent variables shown in the conceptual model. Regarding the justice factor, in addition to improving the structural factors affecting it, as shown in the conceptual model, to compensate for the unexplained regression, it is vital to examine the subjective interpretations citizens have of perceived justice. The third priority of action is the development of the beliefs and abilities of citizens in the Desired Cluster. This requires improving factors in the Immediate Action and the Research Cluster through the justice factor. It is necessary to monitor them at the social level in the Monitoring Cluster. Since they are not improvable in the short term, they should be observed and assessed to be corrected and navigated through future research.

**Keywords:** Public participation, Educational system, Structural equation modeling, Fuzzy hierarchical analysis, Two-dimensional model.

**Citation:** Ebrahimi Kiasari, Hamidreza; Alvani, Seyyed Mahdi & Memarzadeh Tehran, Gholamreza (2023). Combinational Assessment of the Factors Affecting Public Participation in Iranian Educational Policies. *Journal of Public Administration*, 15(2), 230-257. (in Persian)

---

Journal of Public Administration, 2023, Vol. 15, No.2, pp. 230-257

Published by University of Tehran, Faculty of Management

<https://doi.org/10.22059/JIPA.2023.351493.3247>

Article Type: Research Paper

© Authors

Received: November 23, 2022

Received in revised form: January 23, 2023

Accepted: April 06, 2023

Published online: July 22, 2023



## ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران

حمیدرضا ابراهیمی کیاسری

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: h.ebrahimi.kiasari@qiau.ac.ir

سیدمهدی الوانی \*

\* نویسنده مسئول، استاد، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: alvani@qiau.ac.ir

غلامرضا معمارزاده طهران

دانشیار، گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه: govmanagement@srbiau.ac.ir

### چکیده

**هدف:** مشارکت شهروندان، تنها راه تنش‌زدایی میان قدرت قانونی سازمان‌ها و قدرت اجتماعی شهروندان و تضمین‌کننده کارایی و اثربخشی خط‌مشی‌هاست. این پژوهش با هدف بررسی سطح روابط بین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی و اولویت‌بندی آن‌ها و ارائه دیدی تفسیرپذیر از نتایج به‌دست‌آمده اجرا شده است.

**روش:** در این پژوهش از راهبرد چندگانه استفاده شده است. در مرحله اول با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، شدت روابط بین عوامل شناسایی شد؛ سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، این عوامل اولویت‌بندی شدند. در مرحله بعد با استفاده از یافته‌ها، در یک مدل نوآورانه دو بُعدی AHP-SEM، چهار خوشه اقدام فوری، پژوهشی، مطلوب و نظارت خلق شد که عوامل در آن، بر حسب قابلیت تبیین و وزن خوشه‌بندی شدند.

**یافته‌ها:** بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی، عوامل حمایت قانونی و عدالت، کمابیش نیمی از وزن‌ها را به خود اختصاص دادند و عوامل سطح اجرا، پس از این دو عامل قرار گرفت. همچنین، بر اساس رگرسیون‌های محاسبه‌شده مفروض در مدل مفهومی، بیشترین قابلیت تبیین متعلق به عوامل سطح اجراست که با حمایت قانونی هم‌بستگی زیادی دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌ها، عوامل تشکیلات‌اجرایی، اطلاعات و حمایت قانونی، می‌بایست در اولویت اقدام قرار گیرد؛ عامل عدالت برای بهبود، علاوه بر بهبود عوامل ساختاری، به بررسی تفسیرهای ذهنی شهروندان از عدالت ادراک‌شده نیاز دارد؛ باورها و توانمندی‌های شهروندان، در مرحله بعد، از طریق عامل عدالت می‌توانند توسعه یابند و عوامل سطح اجتماعی در خوشه نظارت، می‌بایست برای اصلاح هدایت روندهای آتی نظارت شوند.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت شهروندان، آموزش و پرورش، مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، مدل دو بُعدی.

**استناد:** ابراهیمی کیاسری، حمیدرضا؛ الوانی، سیدمهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۲). ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران. مدیریت دولتی، ۱۵(۲)، ۲۳۰-۲۵۷.

## مقدمه

خطمشی‌گذاری و اجرای خطمشی، دو اقدام مهم حکومت محسوب می‌شود و موضوع محوری خطمشی‌گذاری، نحوه تعریف و اولویت‌بندی مسئله عمومی است؛ به‌ویژه این مهم با توجه به محدودیت منابع و افزایش روزافزون تقاضای شهروندان، به تدریج بغرنج‌تر می‌شود (پورعزت، سوداگر، سعدآبادی و هاشمی، ۱۳۹۸). تفکرهای این دهه مدیریت دولتی نیز، حکایت دارد از اینکه رویکرد نهادی حکومت (رویکرد قانون‌گذاری بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها، به شکل مشخص و کاملاً جزئی است)، به سمت حکمرانی یا همان جایگزینی «اعمال قدرت بر» با «واگذاری قدرت به» حرکت می‌کند (فطانت‌فرد حقیقی، زین‌آبادی، آراسته و نوه ابراهیم، ۱۴۰۰).

طی دهه‌های گذشته، شهروندان اغلب کشورهای پیشرفته، به فراگرد خطمشی‌گذاری وارد شده‌اند و دولت‌ها نیز با در پیش گرفتن رویکرد مشارکتی، از مردم در حوزه‌های مختلف حکمرانی مشورت گرفته‌اند (میشل و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). امروزه حضور شهروندان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، تضمین‌کننده انتخاب بهترین راه‌حل و با بهترین سطح بهره‌وری و ارزیابی دقیق است، از سوی دیگر، مسائل محیطی آنقدر پیچیده شده است که هیچ دولتی، به تنهایی قادر نیست آن‌ها را حل کند؛ زیرا مسائل پیچیده به راه‌حل‌های پیچیده نیاز دارد (الوانی، ۱۳۹۵) و آگاهی و مشارکت شهروندان در بهبود اداره امور عمومی و ارتقای کیفیت تصمیم‌ها و سیاست‌های دولت نقش شایان توجهی دارد (پورحسن و فرجوند، ۱۳۹۸).

سلزنیك در مقاله کلاسیک خود با عنوان «سازوکارهای جذب عوامل تهدیدکننده»، مشارکت را تنها راه تنش‌زدایی میان قدرت قانونی سازمان‌ها و قدرت اجتماعی شهروندان می‌داند و معتقد است که هرگاه شهروندان با مشارکت جذب سازمان‌های دولتی شوند، از حالت تهدیدی خارج می‌شوند و به‌صورت یک فرصت در کنار مدیران دولتی قرار می‌گیرند (الوانی، ۱۳۸۱). فرصت مشارکت مردم در سازمان‌های دولتی و مسئله خطمشی‌گذاری عمومی، به نوعی دموکراتیزه‌شدن بنیادی منجر می‌شود و شهروندان را از حالت بی‌تفاوتی به دولت خارج می‌کند و آن‌ها را به سرنوشت خود در جامعه متعهد می‌سازد (الوانی، ۱۳۸۱).

در نظام اجتماعی امروز ایران، یکی از حوزه‌های بحث‌برانگیز از حیث کارآمدی، نظام آموزش و پرورش و به تبع آن، نظام آموزش عالی با تعداد روزافزونی از افراد با مدارک دانشگاهی و در عین حال، تعداد بسیار زیادی افراد بیکار دارای مدرک دانشگاهی است. طبق گزارشی که مرکز آمار ایران، از نتایج تفصیلی طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۴۰۰ داده است، جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی، بیش از چهارده میلیون نفر بوده است که سهمی بالغ بر یک‌ششم جمعیت کشور را شامل می‌شود (مرکز آمار ایران<sup>۲</sup>، ۱۴۰۱). نکته تأمل‌برانگیز در این آمارها، سهم ۴۷ درصدی بیکاران با مدرک دانشگاهی است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱) و به جرئت می‌توان گفت، علاوه بر تبعات مالی‌ای که بر فرد و جامعه وارد می‌کند، آثار روحی روانی زیادی بر افراد این گروه بر جای خواهد گذاشت.

در بررسی جایگاه مشارکت شهروندان از نقطه نظر نظام سیاسی و اجرایی، مشارکت شهروندان در نظام آموزش و پرورش، چتری است که ارزش‌ها، هدف‌ها و تلاش‌های دولت و شهروندان را در لوای خود منطبق و هم‌سو می‌کند که این مهم، مقوله‌ای مهجور در نظام خطمشی‌گذاری عمومی کشور است و کم‌توجهی به آن، متأسفانه تنها اشتباه عمیق در کاربرد کلمات است و آنچه به نام مشارکت وجود دارد، به مفهوم عمیق و نوین مشارکت شباهتی ندارد (ابراهیمی کیاسری، الوانی و معمارزاده، ۱۴۰۱). اگر به بررسی وضع کنونی مشارکت در نظام تعلیم‌وتربیت کشور بپردازیم، قسمت اعظم فعالیت‌های مشارکتی این حوزه، به کمک‌های خیرخواهانه مردم، به‌صورت اهدای زمین، ساخت مدارس و تأمین تجهیزات مدارس است. باید این موضوع را مدنظر قرار داد که محدودکردن مشارکت به بخش خصوصی و سلطه نگاه اقتصادی بر آموزش‌وپرورش، نمی‌تواند ضامن نجات از بحران‌های آموزش و تأمین ارزش‌های تربیتی و عدالت باشد (فاضل، مهram، حسینقلی زاده و نوغانی دخت بهمنی، ۱۴۰۱). تقلیل معنای مشارکت در وزارت آموزش‌وپرورش، به اداره مدارس غیرانتفاعی و آموزشگاه‌های علمی آزاد، از حیث دیدگاه‌های اجتماعی، نتیجه عدم مشارکت و کارکرد ضد‌مشارکتی و ناشی از دیدگاه‌های اقتصاد کارکردگراست که در آن، عدالت به‌عنوان یکی از ارزش‌های اجتماعی و انسانی، یا مطرح نشده است یا به‌عنوان رقیب مشارکت مطرح شده است (فاضل و همکاران، ۱۴۰۱).

در بررسی میزان گرایش شهروندان به مشارکت در نظام تعلیم و تربیت، یکی از مسائلی که گریبان‌گیر نظام آموزشی کشور شده و این نظام را دچار چالشی عظیم کرده است، برنامه‌های گسترده تحصیلی خارج از مدرسه اولیاست که به‌منظور جبران عدم پاسخ‌گویی عملکردهای نظام آموزشی و پرورشی اتخاذ می‌شود. مشارکت شهروندان از این حیث ارزشمندی بیشتری پیدا می‌کند که اولیای دانش‌آموزان، منفعل و بی‌علاقه به این حوزه نیستند و مساعی خود را صرف مسیری جدا از برنامه‌های آموزشی رسمی می‌کنند. این عدم جذب اقدام‌های شهروندان، علاوه بر کاهش کارایی خطمشی‌های نظام تعلیم‌وتربیت، به‌مرور زمان، موجب کم‌اهمیت شمرده‌شدن رویکردهای ملی خواهد شد و شکاف بین مردم و دولت را زیاد خواهد کرد.

با توجه به اینکه هم اولیا و هم دولت، از موضوع مشارکت استقبال نکرده‌اند و بازتاب پیامدهای منفی آن در نتایج حاصل از این نظام مشاهده می‌شود، لازم است تا با بررسی این موضوع در حیطه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به شناسایی دقیق عوامل و شرایط بهبود آن بپردازیم. با وجودی که بحث درباره مشارکت شهروندان بسیار در کانون توجه جامعه علمی کشور قرار گرفته است و عوامل متعددی، از نقطه نظرهای متفاوت بر مشارکت شهروندان مؤثر شناخته شده است، متأسفانه تحلیل کمی این عوامل و ارائه تفسیرهای کیفی از این رهگذر اتفاق نیفتاده است و در پیشینه داخلی این حوزه، تنها سه مقاله به اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت پرداخته‌اند که هیچ‌یک در حوزه نظام تعلیم‌وتربیت نبوده است. با این وصف، در این پژوهش برآنیم تا از طریق روش‌های کمی متنوع و سنجش عوامل و شرایط مرتبط و همچنین، ایجاد دانش از اطلاعات به‌دست‌آمده، نگرش جدیدی از وضعیت عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در حوزه خطمشی‌های آموزش‌وپرورش به‌دست آوریم.

## پیشینه نظری پژوهش

به اعتقاد لاسول، علم خطامشی سه ویژگی منحصر به فرد دارد که آن را از رویکردهای پیشین متمایز می‌کند: چندرشته‌ای است، به دنبال حل مشکل است و به شدت هنجاری است (لاسول<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱). جنکینز در تعریف خطامشی، به چند نکته مهم اشاره کرده و خطامشی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه تصمیم‌های متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی که درباره انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص اتخاذ می‌شود؛ به شرط آنکه این تصمیم‌ها به طور قانونی در چارچوب اختیارات بازیگران باشد» (جنکینز<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸). نکته مهم دیگر اینکه وی خطامشی را فرایندی می‌داند که راه خود را به جلو می‌گشاید و زمانی به نتیجه می‌رسد که مجموعه فعل و انفعال‌ها صورت گرفته باشد. در همین راستا، وی خطامشی‌گذاری را دولتی می‌داند؛ اما پست مدرنیسم شرایط اداره داخلی کشورها را به صورتی توصیف می‌کند که بر کثرت‌گرایی و مشارکت تأکید دارد یا حداقل اینکه نتیجه این کثرت‌گرایی و مشارکت، به فعالیت گسترده بازیگران غیردولتی خواهد انجامید. از این رو برای فراتر رفتن از اداره دولتی سنتی و مدیریت دولتی نوین، نهضت مدیریت دولتی نوظهوری در حال پیدایش است. این نهضت پاسخی به چالش‌های دنیای شبکه‌ای، چندبخشی، چندمسئولی و همچنین، کاستی‌های رویکردهای قبلی است. در این رویکردهای جدید، ارزش‌هایی ورای کارایی و اثربخشی و به خصوص ارزش‌های دموکراتیک برجسته‌اند (برایسون، کراسی و بلومبرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). همچنین در دهه‌های گذشته، نقش دولت نیز در حال تغییر است. این تغییر، تأکید روزافزون دولت بر هدایت خطامشی‌ها و برنامه‌ها، از طریق مشارکت عمومی و گاه توانمندسازی ذی‌نفعان یا شرکا برای خدمت‌رسانی یا اجرای برنامه‌هاست.

اما مشارکت‌های عمومی چیست؟ اصطلاح مشارکت‌های عمومی، چتری است که معرف فعالیت‌هایی است که با آن دغدغه‌ها، نیازها، ارزش‌ها و منافع مردم در تصمیم‌ها و اقدام‌های مرتبط با موضوعات و مسائل عمومی گنجانده می‌شود (نابتچی و لنینگر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). این نهضت جدید مشارکتی را دنهارت<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) خدمت‌رسانی نوین دولتی<sup>۶</sup>، استروکر<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) مدیریت ارزش‌های عموم<sup>۸</sup>، بوزمن<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) مدیریت عموم<sup>۱۰</sup>، آزبورن<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۰) حکمرانی عمومی نوین<sup>۱۲</sup> و تتوریسین سیاسی، هری بایوت<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۱)، جامعه مدنی نوین<sup>۱۴</sup> می‌نامد.

مشارکت در علوم اجتماعی به سازوکارهای مختلفی گفته می‌شود که در آن شهروندان می‌توانند نظرهای خود را

1. Laswell
2. Jenkins
3. Bryson, Crosby & Bloomberg
4. Nabatchi & Leighninger
5. Denhardt
6. New Public Service
7. Stroker
8. Public Value Management
9. Bozeman
10. Managing Publicness
11. Osborne
12. New Public Governance
13. Harry Byot
14. New Civic Public

ابراز کنند و در حالت ایدئال، بر مسائل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و سایر تصمیم‌های اجتماعی تأثیرگذار باشند. تصمیم‌گیری مشارکتی می‌تواند زیر چتر هر فعالیت اجتماعی، مثل اقتصاد مشارکتی، دموکراسی مشارکتی، مدیریت مشارکتی و چند فرهنگی قرار گیرد (گلس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹).

در تعریف دیگر، مشارکت عمومی فرایندی توصیف شده است که نیازها و ارزش‌های عمومی جامعه را با تصمیم‌گیری‌های دولتی و سازمانی ترکیب می‌کند. این فرایند بر اساس تعامل و ارتباط دوطرفه است و هدف کلی آن، بهتر شدن تصمیم‌گیری‌هاست (کریگتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۲۷۱).

### پیشینه تجربی

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی بر مشارکت شهروندان در فرایند بودجه‌بندی مشارکتی» که از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده، مطرح شده است افرادی که از منابع بیشتری برخوردارند، سطوح بالاتری از مشارکت را نشان می‌دهند. این منابع ممکن است مادی یا معنوی باشد؛ اما هرچه میزان منابع در اختیار افراد افزایش یابد، بر امکان مشارکت آنان نیز افزوده می‌شود. در نظریه انگیزش، اعتقاد بر این است که هرچند وجود منابع به مشارکت کمک می‌کند، چنانچه شهروندان برای مشارکت انگیزه کافی نداشته باشند، به این کار اقدام نمی‌کنند. همچنین رسانه‌ها واسطه اصلی میان سیاست‌گذاران و مردم هستند؛ به این معنا که رسانه‌ها توده‌های مردم را بسیج می‌کنند تا اندیشه‌ها و تکنیک‌های جدید را بپذیرند و ساختار مدیریت شهری را با ثبات کنند (پورحسن و فرجوند، ۱۳۹۸).

در پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل ساختاری مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های خط‌مشی» با استفاده از روش تحلیل مضمون نشان داده شد که ساختار سازمانی غیرمتمرکز، استراتژی (راهبرد) تعاملی، نظام ارزیابی عملکرد با رویکرد اجتماعی، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات یکپارچه، نظام حقوق و دستمزد منعطف، نظام آموزش و پژوهش حمایت‌کننده شبکه و هم‌گرایی بالا در اهداف و منافع، بر شکل‌گیری شبکه‌های خط‌مشی در نظام کارآفرینی ایران مؤثرند (صفری دشتکی، زارع و نیک بخش، ۱۳۹۷).

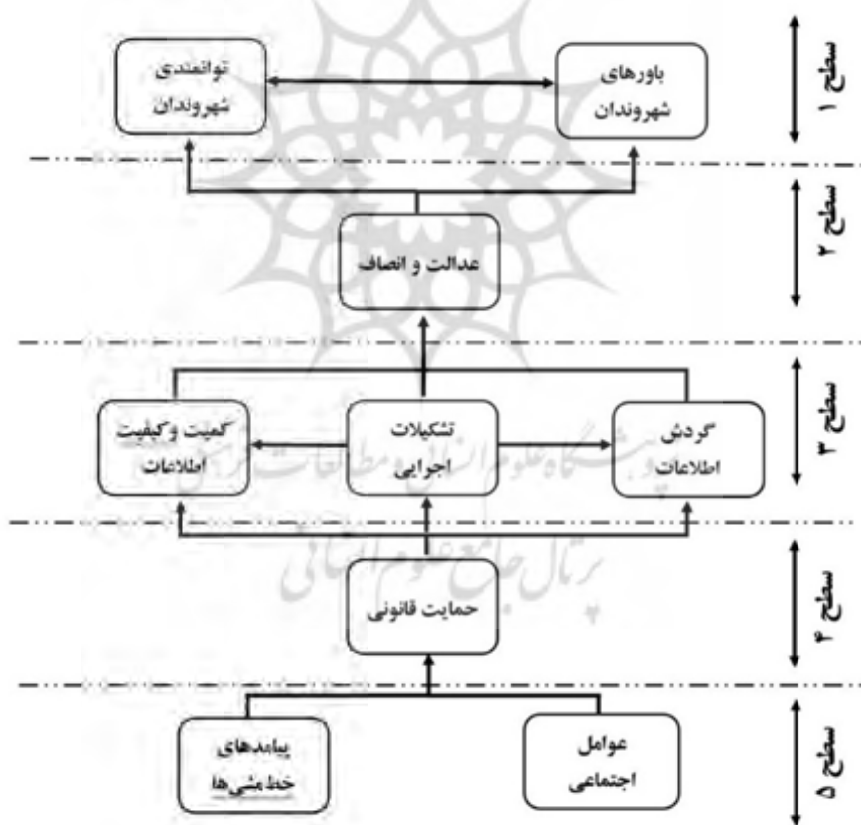
دقتی و همکارانش، در یک پژوهش فراترکیب با عنوان «ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای»، عنوان کردند که برای توسعه حکمرانی شبکه‌ای، باید به الزامات، طراحی، مشارکت و فعال‌سازی و توسعه شبکه، بیشتر از دیگر ابعاد توجه شود. بنابراین ابتدا باید وضعیت موجود شبکه بررسی و شکاف موجود تا وضعیت مطلوب روشن شود؛ سپس استراتژی مناسب طراحی شود تا مشارکت شهروندان، از طریق روابط و تعاملات مکرر میان بازیگران خودسازمان‌دهی شده انجام گیرد (دقتی، یعقوبی، کمالیان و دهقانی، ۱۳۹۸).

با توجه به اینکه پیشینه‌های موجود و پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه مشارکت شهروندان انجام پذیرفته است، یا به ماهیت اصلی مشارکت پرداخته‌اند یا بیشتر در حوزه چارچوب خط‌مشی‌های شبکه‌ای بوده‌اند، اکنون لازم است که مشارکت شهروندان با لنز جدیدی به صورت دقیق و کمی بررسی شود، عوامل مستخرج در مدل‌ها با روش‌های کمی

سنجیده شود، ارتباط بین آن‌ها مشخص شده و اولویت هر یک تعیین شود تا بتوان تفاسیر کیفی مناسب‌تر و همچنین نکات مغفول مانده و مؤثرتری را کشف و ارائه کرد.

### مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی در این پژوهش، یک نمودار نردبانی - سلسله‌مراتبی است که ۸ عامل را در خود گنجانده است (ابراهیمی کیاسری و تهران، ۱۴۰۱). در سطح بنیادین، دو عامل خط‌مشی‌های پیشین و عوامل اجتماعی قرار دارد. در سطح بالاتر، سطح چهارم، مقوله حمایت قانونی از مشارکت شهروندان، به‌تنهایی جای گرفته است که بر عوامل سطح سوم، یعنی گردش اطلاعات، کمیت و کیفیت اطلاعات و تشکیلات اجرایی، تأثیر می‌گذارد. این سه عامل در کنار یکدیگر، بر عامل عدالت در مشارکت مؤثرند که نمود عینی توانایی جامعه برای جذب مشارکت شهروندان، در حوزه نظام گسترده آموزشی و پرورشی است. در رأس مدل مفهومی این پژوهش، دو مقوله شهروندی به نام باورها و توانمندی‌های شهروندان قرار دارد که عوامل را از حوزه فرصت‌های محیطی مشارکت به نقاط قوت شهروندی مشارکت می‌رساند.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: ابراهیمی کیاسری و همکاران (۱۴۰۱)

پژوهش مذکور با به‌کارگیری روش‌های تحقیق کیفی، توانسته است نگاهی همه‌جانبه به مقوله مشارکت در نظام تعلیم و تربیت داشته باشد؛ اما از حیث کاربردی، به‌دلیل استفاده از روش فراترکیب و مدل‌سازی ساختاری تفسیری،



نتوانسته است تا تحلیلی از شرایط فعلی جامعه ارائه دهد و اولویت عوامل و سطح روابطشان را در مدل مفهومی (شکل ۱) مشخص کند؛ از این رو، در پژوهش حاضر، به‌منظور شناخت دقیق وضع فعلی عوامل مدل مفهومی، یک استراتژی پژوهشی کمی و نوآورانه طراحی شد تا با بهره‌گیری از اطلاعات حاصل و ترکیب آن‌ها، توصیف دقیق و بدیعی از شرایط مشارکت در نظام تعلیم‌وتربیت به‌دست آید و تحلیل‌های مناسبی به‌منظور تهیه نقشه راه مشارکتی کردن خطمشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ارائه شود.

هر پژوهش بر مبنای پرسش‌هایی که در ذهن پژوهشگر شکل ایجاد می‌شود، شکل می‌یابد. پرسش‌هایی که قرار است در پژوهش به آن پاسخ داده شود، عبارت‌اند از:

- ضریب تأثیر هر یک از این عوامل بر عامل وابسته خود در مدل چیست؟
- وزن تأثیر هر یک از این عوامل، بر متغیر وابسته اصلی پژوهش، یعنی مشارکت شهروندان در خطمشی‌های آموزشی و پرورشی چیست؟
- یافته‌های دو روش به‌کار برده شده در سؤال‌های اول و دوم پژوهش، چه مفاهیمی را متبادر می‌کند و توصیه‌های سیاستی مناسب برای این وضعیت چیست؟

به‌منظور دستیابی به پاسخ پرسش‌های فوق و ارائه تحلیل کمی از مدل مفهومی، استراتژی سه مرحله‌ای و ترکیبی اتخاذ شد. در مرحله اول، سطح روابط بین عوامل مرتبط با هم در مدل مفهومی (قابلیت تبیین شوندرگی) مشخص و پس از آن، اولویت عوامل و وزن هر یک تعیین شد. در مرحله آخر با جای‌گذاری یافته‌های دو روش قبل در یک نمودار دو بُعدی، عوامل با توجه به سطح اولویت و میزان تبیین‌شدن، خوشه‌بندی شدند تا دیدگاه توصیفی نوینی بر اساس دانش به‌دست‌آمده از تحلیل‌های انجام شده، شکل گیرد.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به فلسفه، سؤال‌ها و اهداف اصلی و فرعی پژوهش، توسعه‌ای و کاربردی است. توسعه‌ای به این دلیل که به تجزیه و تحلیل مدل خطمشی‌گذاری مشارکتی در نظام آموزش و پرورش با عنایت به ادبیات و پیشینه موجود پرداخته و کاربردی است؛ زیرا به شناسایی وزن و تأثیر عوامل و مؤلفه‌های و روابط بین آن‌ها در حوزه مشارکت در خطمشی‌گذاری آموزشی و پرورشی منجر می‌شود. برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش، لازم است تا در مرحله اول با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، تأثیر مسیرهای معرفی شده شناسایی شود. برای سنجش روابط مدل اولیه که از مفاهیم و فرضیه‌های پژوهش استخراج شده است، پرسش‌نامه‌ای با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت و بر مبنای مدل مفهومی طراحی شد. تعدادی از نخبگان دانشگاهی و مدیریتی این پرسش‌نامه را بررسی کردند و بر اساس نظر و بازخورد آن‌ها، چند سؤال حذف و چند سؤال اصلاح شد. پرسش‌نامه پژوهش محقق ساخته است و ۴۱ گویه را شامل می‌شود. روایی و پایایی این پرسش‌نامه، از طریق روش‌های روایی محتوا و روایی سازه و پارامتر آلفای کرونباخ که در ادامه ارائه خواهد شد، تأیید شده است. نمونه آماری برای توزیع پرسش‌نامه نهایی و دریافت اطلاعات کمی با عنایت به کفایت

نظری - قضاوتی ۴۵ نفر بود که بین نخبگان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش با تحصیلات مرتبط و سابقه مدیریتی بیش از ۵ سال توزیع شد. داده‌های استخراج شده از پرسش‌نامه به این صورت تحلیل شده است که در بخش کمی، ابتدا با استفاده از نسخه ۲۶ نرم‌افزار اسپاس‌اس، به بررسی توصیف‌ها و آزمون‌های اولیه برای ورود به بخش سنجش مدل، همانند بررسی آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی جهت سنجش پایایی پرسش‌نامه طراحی شده، سنجش نرمال بودن داده‌ها با بررسی میزان چولگی و کشیدگی داده‌های پژوهش و همچنین، بررسی آماره‌های KMO<sup>۱</sup> و بارلت برای ورود به مرحله ساختاری پرداخته شده و پس از آن، اعتبار یافته‌ها با استفاده از اعتبار هم‌گرا و واگرا بررسی و تأیید شده است. افزون بر این، شاخص‌های برازش نیز اعتبار مدل ارائه شده را تأیید می‌کند. این روش در بخش بعدی تشریح شده است. در گام بعدی، برای دستیابی به اولویت تأثیرگذاری هریک از مؤلفه‌های استخراج شده در گام قبل، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی استفاده شده است. در رویکرد تصمیم‌گیری که در آن انتخاب یک راه‌کار از بین راه‌کارهای موجود یا اولویت‌بندی راه‌کارها مطرح است، انتخاب بهترین پیشنهاد/تصمیم با معیارهای چندگانه انجام می‌شود (خجسته و قدسی‌پور، ۱۳۹۷: ۵۶). در این پژوهش برای شناسایی روابط و تعیین وزن متغیرها، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی استفاده شده است. از این رو پرسش‌نامه مرتبط با این عوامل طراحی شد و در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت و خطامشی عمومی قرار گرفت. در نهایت با بهره‌گیری از تحلیل سلسله‌مراتبی و از طریق نرم‌افزار AHP<sup>۲</sup> این متغیرها اولویت‌بندی شدند.

## یافته‌های پژوهش

### بخش اول) مدل‌سازی معادلات ساختاری<sup>۳</sup>

قبل از تحلیل متغیرهای مدل، باید روایی و پایایی سازه‌ها بررسی شود. بدون آگاهی از روایی و اعتبار ابزار پژوهش، نمی‌توان به دقت و صحت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۳). در این پژوهش از دو روش بررسی روایی محتوا و روایی سازه استفاده شده است. علاوه بر روایی، لازم است تا پایایی ابزار سنجش نیز بررسی شود که برای این منظور از روش آلفای کرونباخ و دو نیمه استفاده شده است.

**روایی:** روایی محتوا کفایت محتوای اندازه‌گیری را نشان می‌دهد (آتش‌سوز، ۱۳۹۴). پوشش محتوا مسئله‌ای است که روایی محتوای آن را بررسی می‌کند. ارزیابی روایی محتوا، بر اساس منطق و تئوری است، نه آزمون آماری (نونالی و برنستین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴). اتکای زیاد به ادبیات موضوع و استفاده از نظر متخصصان برای ارزیابی پرسش‌نامه، ممکن است روایی محتوا را تضمین کند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳). از آنجایی که همه گویه‌های این پرسش‌نامه بر اساس مطالعات بوده است و همچنین، خبرگان و نخبگان حوزه نظام آموزش و پرورش، پرسش‌نامه پژوهش را بررسی کردند و بر اساس بازخورد

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure  
2. Analytic Hierarchy Process  
3. Structural Equation Modeling  
4. Nunnally & Bernstein

دریافتی از آن‌ها، پرسش‌نامه اولیه اصلاح و نسخه نهایی آن شکل گرفت، می‌توان از روایی محتوایی آن اطمینان حاصل کرد. دومین معیار روایی، روایی سازه است. روایی سازه این موضوع را می‌سنجد که تا چه میزان گویه‌ها و سؤال‌های پرسش‌نامه، سازه مشابهی را می‌سنجد. گام اول در روایی سازه، روایی محتواست که در قسمت قبل بیان شد. پس از آن، تحلیل عاملی روایی سازه را بررسی می‌کند؛ بنابراین با توجه به اینکه مدل این پژوهش توسط تحلیل عاملی بررسی می‌شود، با برازش مناسب مدل، روایی سازه نیز خودبه‌خود تأیید می‌شود.

**پایایی:** مقصود از پایایی این است که اگر روش پژوهش منتخب در چند زمان مختلف در مورد یک جمعیت استفاده شود، روی نتیجه به‌دست‌آمده اختلاف چندانی مشاهده نشود. روش پایایی آلفای کرونباخ معمول‌ترین ضریب پایایی ثبات داخلی است که در بیشتر مطالعات از آن استفاده می‌شود و معرف میزان تناسب گروهی از آیتم‌هایی است که یک سازه را می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ می‌بایست بیش از ۰/۷۵ باشد تا پایایی تأیید شود. پایایی پرسش‌نامه این پژوهش ۰/۹۵ بود که در حد بسیار خوبی قرار دارد. روش دوم تأیید پایایی در این پژوهش، روش دونیمه کردن است. با توجه به اینکه پرسش‌نامه پژوهش ۴۱ سؤال دارد، در روش دو نیمه کردن، ۲۱ سؤال به نیمه اول و ۲۰ سؤال به نیمه دوم اختصاص یافت. ضریب هم‌بستگی دو نیمه‌سازی گاتمن<sup>۱</sup> بین این دو نیمه ۰/۹۳۳ به‌دست آمد که عدد بسیار عالی برای تأیید پایایی پرسش‌نامه است.

### تحلیل استنباطی داده‌ها

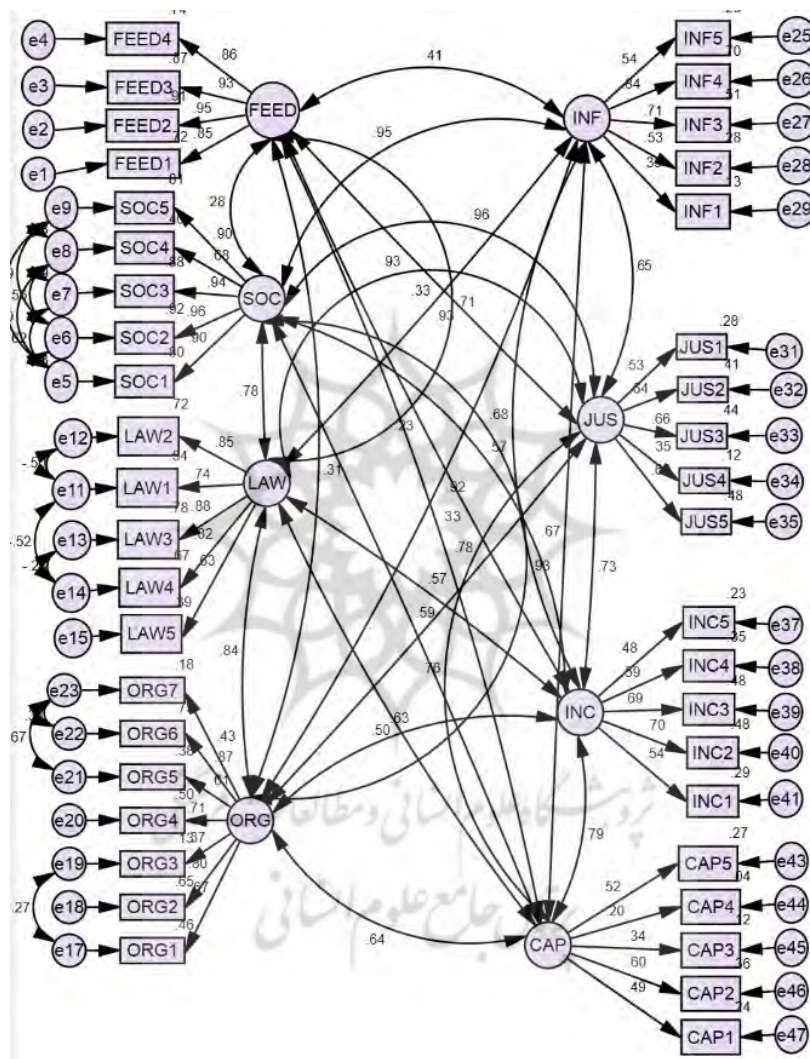
**الف) شاخص KMO و بارتلت:** به‌منظور بررسی کفایت نمونه و نیز، تناسب کاربرد تحلیل عاملی برای داده‌های این پژوهش، از آزمون کروی بودن بارتلت و شاخص KMO استفاده شده است. شاخص KMO شاخصی است که کوچک بودن هم‌بستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌کند که آیا واریانس‌های متغیرهای پژوهش، تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهان اساسی است یا خیر. این شاخص در بازه بین صفر تا یک است و هرچه به یک نزدیک‌تر باشد، اندازه نمونه اعتبار بیشتری دارد. شاخص KMO در این پژوهش مقدار ۰/۹۱۹ به‌دست آمده که عدد بسیار خوبی است. همچنین معناداری آزمون بارتلت نیز با عدد  $\text{sig} = ۰/۰۰۰$  تأیید شد. بنابراین حجم نمونه انتخاب شده، برای تحلیل استنباطی داده‌ها در سطح بسیار خوبی است.

**ب) نرمال بودن داده‌ها:** قبل از وارد شدن به مرحله آزمون روابط بین ریسک‌ها، لازم است تا از وضعیت نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل شود. در این بخش برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از نرم‌افزار آموس استفاده شده است. نرمال بودن داده‌ها در این نرم‌افزار با بررسی دو شاخص چولگی<sup>۲</sup> و کشیدگی<sup>۳</sup> انجام شده است. بازه نرمال بودن مطلوب برای شاخص چولگی، بین ۱- تا ۱ و برای شاخص کشیدگی بین ۳- تا ۳ است که تأیید شده است.

1. Guttman Split-Half Coefficient  
2. Skewness  
3. Kurtosis

### پایه‌سازی روش مدل‌سازی معادلات ساختاری

به‌منظور بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، یعنی همان فرضیه‌های مطرح شده در مدل مفهومی، از معادلات ساختاری استفاده شده است. یادآوری می‌شود که هر یک از مسیرهای بین متغیرهای پژوهش در مدل مفهومی، یک فرضیه است. شکل ۲ نتایج حاصل از اجرای تحلیل در نرم‌افزار آموس در مدل اولیه اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت تخمین استاندارد در نرم‌افزار آموس

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، به‌منظور تحلیل ساختار پرسش‌نامه و سنجش برازش مدل اولیه، از مدل اندازه‌گیری و بار عاملی و کوواریانس میان متغیرهای پژوهش استفاده شده است. اعداد در شکل ۲ استاندارد شده آماره‌های معرفی شده هستند. کوواریانس محاسبه شده بین متغیرهای پژوهش همگی معنادار است. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه به‌دست می‌آید و مقدار مناسب

آن برابر یا بیشتر از ۰/۴ است (هالند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). بار عاملی مناسب بیانگر این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌ها، از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده است. بارهای عاملی حاصل از اجرای مدل با استفاده از نرم‌افزار آموس، در جدول ۲ نشان داده شده است که نشان می‌دهد کلیه سازه‌ها بار عاملی مناسبی دارند. همچنین، مقادیر محاسبه شده  $t$  برای هر یک از بارهای عاملی هر شاخص باز متغیر پنهان خود بالای ۱/۹۶ است (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ شده است). بنابراین می‌توان هم‌سویی سؤال‌های پرسش‌نامه برای اندازه‌گیری مفاهیم مدنر را در این مرحله معتبر نشان داد (فتح‌اللهی، ۱۳۸۴). بنابراین ابزار این پژوهش و روابط مستخرج از آن بین سازه یا متغیرهای پنهان قابل استناد است.

جدول ۱. میزان بارهای عاملی هر سازه

سازه	کد سازه	بار عاملی ( $\geq 0/4$ )	سازه	کد سازه	بار عاملی ( $\geq 0/4$ )
پیامد خطمشی‌های پیشین	Feed1	۰/۸۴۹	اطلاعات	Inf1	۰/۴۵
	Feed2	۰/۹۵۴		Inf2	۰/۵۳
	Feed3	۰/۹۳۱		Inf3	۰/۷۱
	Feed4	۰/۸۶۱		Inf4	۰/۸۴
	Soc1	۰/۸۹۶		Inf5	۰/۵۴
عوامل اجتماعی	Soc2	۰/۹۵۸	عدالت	Jus1	۰/۵۳
	Soc3	۰/۹۴۱		Jus2	۰/۵۴
	Soc4	۰/۶۷۷		Jus3	۰/۶۶
	Soc5	۰/۸۹۹		Jus4	۰/۴۵
	Law1	۰/۷۴		Jus5	۰/۶۴
حمایت قانونی	Law2	۰/۸۵	توانمندی شهروندان	Cap1	۰/۴۹
	Law3	۰/۸۸		Cap2	۰/۶
	Law4	۰/۸۳		Cap3	۰/۴۴
	Law5	۰/۸۹		Cap4	۰/۴
	Org1	۰/۴۶۷		Cap5	۰/۵۲
تشکیلات اجرایی	Org2	۰/۶۷	باورهای شهروندان	Inc1	۰/۵۴
	Org3	۰/۸۷		Inc2	۰/۷
	Org4	۰/۷۱		Inc3	۰/۶۹
	Org5	۰/۶۱		Inc4	۰/۵۹
	Org6	۰/۸۷		Inc5	۰/۴۸
	Org7	۰/۴۳			

**اعتبار هم‌گرا:** روایی تشخیصی یا اعتبار هم‌گرا به این معنا که نشانگر (شاخص)‌های هر سازه، در نهایت تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند، در این پژوهش مدنظر است. به عبارت دیگر، در اندازه‌گیری تفکیک سازه‌ها از یکدیگر، در سطح مناسبی باشد. شاخص سنجش اعتبار و پایایی درونی، سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و ضرایب بارهای عاملی است. آلفای کرونباخ بر اساس هم‌بستگی درونی گویه‌ها محاسبه می‌شود و مقدار مناسب آن بیش از ۰/۷ پیشنهاد شده است. معیار دوم در محاسبه پایایی، پایایی ترکیبی یا مرکب است. برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفا در این است که پایایی سازه‌ها، نه به‌صورت مطلق، بلکه با توجه به هم‌بستگی سازه‌های‌شان محاسبه می‌شود. برای پایایی ترکیبی نیز میزان بالای ۰/۷ توصیه شده است. معیار سوم پیشنهادشده برای برازش در سنجش روایی هم‌گرا، استفاده از متوسط واریانس استخراج شده (AVE)<sup>۱</sup> به‌عنوان معیاری برای اعتبار هم‌گراست (فورنل و لارکر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱). معیار بالاتر از ۰/۵ برای AVE مناسب دانسته‌اند. تمامی اعداد استخراج شده با مقیاس‌های معرفی شده هم‌خوانی دارد؛ بنابراین روایی هم‌گرایی مدل اندازه‌گیری نیز در سطح مطلوب است.

**اعتبار واگرا:** به‌منظور بررسی شاخص روایی منفک یا همان روایی واگرا برای هریک از متغیرهای پنهان پژوهش، از شاخص جدیدی به نام HTMT<sup>۳</sup> برای ارزیابی روایی واگرا استفاده شده است. این شاخص، جایگزین روش قدیمی فورنل - لارکر بوده و حد مجاز برای آن مقدار ۰/۸۵ تا ۰/۹ است. مقدار شاخص بررسی اعتبار واگرا در این پژوهش ۰/۸۸۵ است که گویای تأیید روایی واگراست.

### برازش کلی مسیر

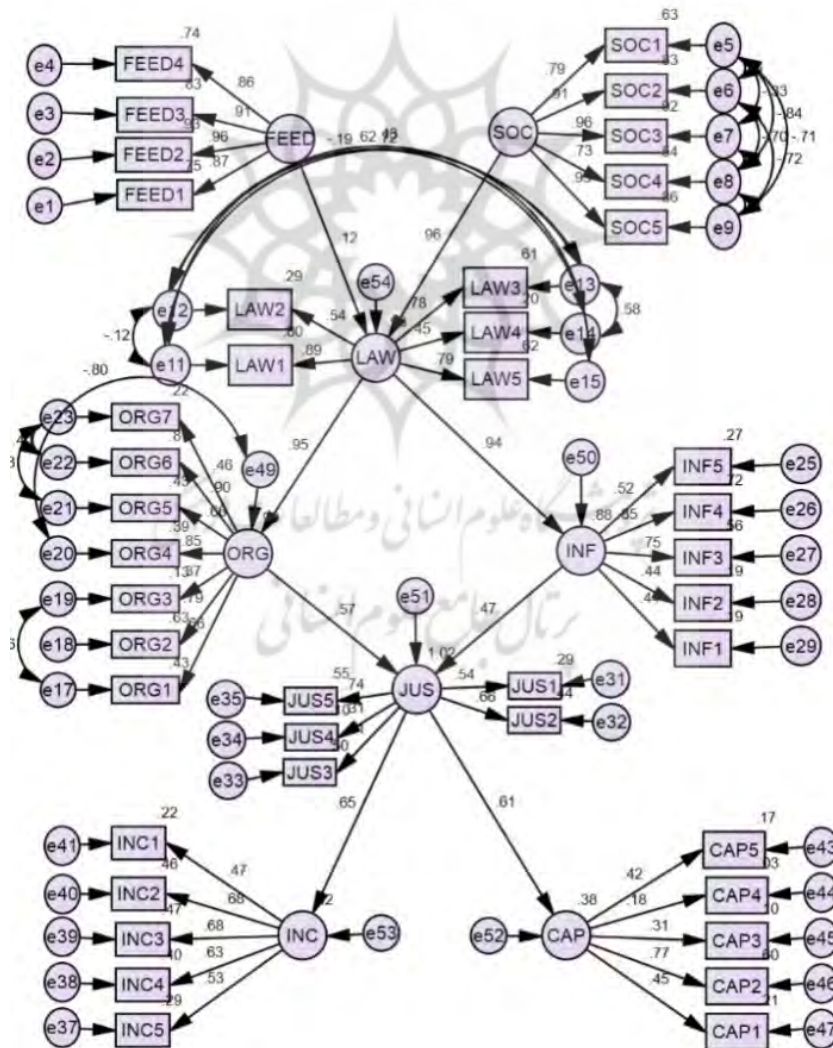
برای ارزیابی مدل معادلات ساختاری، چندین پارامتر برازندگی وجود دارد که در این پژوهش از شاخص‌های برازش مدل استفاده شده است. اگر مدل دست‌کم با پنج شاخص از شاخص‌های برازندگی تأیید شود، می‌توان از آن مدل برای آزمون فرضیه‌های روابط علی - تبیینی بین متغیرهای موجود استفاده کرد. مقادیر این مشخصه‌ها عبارت‌اند از:  $\chi^2/df = ۱/۰۶۱$ ؛  $p\text{-value} = ۰/۲۵۸$ ؛ شاخص برازندگی تطبیقی  $CFI = ۰/۸۸۹$ ؛ شاخص نرم‌شده برازندگی  $NFI = ۰/۸۴۸$ ؛ شاخص برازندگی فزاینده  $IFI = ۰/۹۱$ ؛ شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب  $RMSEA = ۰/۰۴۸$ ؛  $P\text{-close} = ۰/۶۵۷$ .

با توجه به مقادیر محاسبه شده، مقدار برازش شده همه مشخصه‌ها مطلوب است؛ بنابراین داده‌های این پژوهش با ساختار و زیربنای نظری پژوهش برازش مناسبی دارد و این بیانگر هم‌سو بودن سؤال‌ها با سازه‌های نظری است. بعد از تأیید برازش مدل، به‌سراغ آزمون فرضیه در مدل نهایی خواهیم رفت که در شکل ۵ نشان داده شده است. طبق جدول ۲، فرضیه‌های پژوهش که در مدل مفهومی نشان داده شد، در مدل نهایی تأیید شده است. در واقع، همه مسیرهای مدل مفهومی یا همان فرضیه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید شده‌اند.

1. Average Variance Extracted  
2. Fornell and Larcker  
3. Heterotrait-Monotrait Ratio

جدول ۲. نتیجه بررسی فرضیه‌های مدل مفهومی پژوهش

فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	$\beta$	t-value	Sig	نتیجه فرض	ضریب رگرسیون
H1	پیامد	حمایت قانونی	۰/۰۷۶	۲/۹۸۸	۰/۰۰۳	تأیید	۰/۳۲
H2	عوامل اجتماعی	حمایت قانونی	۰/۸۷۶	۹/۰۴۷	۰/۰۰۰	تأیید	۰/۹۶
H3	حمایت قانونی	تشکیلات اجرایی	۰/۶۹۷	۶/۷۹۷	۰/۰۰۰	تأیید	۰/۹۵
H4	حمایت قانونی	اطلاعات	۰/۵۰۵	۴/۹۲۹	۰/۰۰۰	تأیید	۰/۹۶
H5	تشکیلات اجرایی	عدالت	۰/۴۴۳	۲/۴۹۴	۰/۰۱۳	تأیید	۰/۵۷
H6	اطلاعات	عدالت	۰/۴۹۵	۲/۰۲۵	۰/۰۴۳	تأیید	۰/۴۷
H7	عدالت	توانمندی شهروندان	۰/۲۶۸	۲/۵۵۱	۰/۰۱۱	تأیید	۰/۶۱
H8	عدالت	باورهای شهروندان	۰/۳۵۳	۲/۲۶۷	۰/۰۰۱	تأیید	۰/۶۵



شکل ۳. مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد با نرم‌افزار آموس

همان طور که در مدل نهایی نشان داده شده است، ضریب تأثیر متغیر عوامل اجتماعی به‌طور مستقیم بر متغیر حمایت قانونی ۰/۹۶ و مقدار درخور توجهی است؛ اما متغیر پیامد خطمشی‌های پیشین تنها با ضریب رگرسیون ۰/۳۲ توانسته است بر متغیر حمایت قانونی تأثیرگذار باشد. متغیر حمایت قانونی مفسر قابل اتکایی برای تشکیلات اجرایی و اطلاعات با ضرایب تأثیر ۰/۹۵ و ۰/۹۴ است. در ادامه، متغیر عدالت تنها با نیمی از واحد ضریب رگرسیون از طریق اطلاعات و تشکیلات اجرایی قابل تفسیر است که ۰/۴۷ مربوط به اطلاعات و ۰/۵۷ متعلق به تشکیلات است. بر اساس یافته‌ها، متغیرهای انگیزه و توانمندی شهروندان به میزان ۰/۶۵ و ۰/۶۱ از طریق متغیر عدالت قابل تفسیرند.

### بخش دوم) تحلیل سلسله‌مراتبی فازی

در این مرحله از پژوهش، برای پاسخ به پرسش مقادیر وزن متغیرهای موجود، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی با استفاده از روش آنالیز توسعه چانگ استفاده شد. در این بخش، ابتدا تیم دیگری از خبرگان با همان کیفیت قبلی، در ۱۶ پرسش‌نامه، قضاوت خود را درباره معیارها بر اساس تجربه خود بیان کردند. خبرگان در این روش قادرند تا در مقیاس وسیع‌تری از گزینه‌ها، در مقایسه‌ها اظهار نظر کنند. این اظهار نظر، همان مقایسه دوجه‌دوی عوامل است که پاسخ‌ها در یک جدول ماتریسی گنجانده می‌شود. به‌طور مثال، در ابتدا نسبت اهمیت عامل پیامد خطمشی‌های پیشین با هفت عامل دیگر سنجیده می‌شود. سپس متغیر عوامل اجتماعی با شش عامل دیگر مقایسه می‌شود؛ یعنی دیگر با عامل اول که پیامد خطمشی‌های پیشین است، مقایسه نمی‌شود و این ترتیب برای بقیه عوامل هم انجام می‌شود. هر گزینه طیف مذکور شامل عبارت زبانی، یک عدد فازی و عددی دقیق است که برای سهولت در پاسخ تدوین شده است. در بسیاری از موقعیت‌ها، به‌علت عدم اطمینان یا سنجش ناپذیر بودن معیارها به‌صورت کمی، ارائه مقادیر عددی توسط خبرگان دشوار است؛ بنابراین می‌توان از یک متغیر زبانی یا عدد فازی استفاده کرد. این اعداد فازی دارای حد پایین، حد وسط و حد بالا برای تعیین دقیق‌تر اهمیت هستند.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، می‌بایست پاسخ‌ها ادغام شوند تا به یک جدول واحد از مقایسات دوجه‌دوی عوامل برسیم. نحوه ادغام پاسخ‌ها به این صورت است که برای خانه‌های متناظر، پرسش‌نامه را با یکدیگر ترکیب می‌کنیم. ترکیب این خانه‌های متناظر در حد بالا، حد وسط و حد پایین متفاوت است. برای ادغام حدود پایین، حداقل حدود پایین یک خانه در پرسش‌نامه‌های موجود انتخاب می‌شود و برای حدود بالا، حداکثر اعداد موجود در خانه‌های متناظر نوشته می‌شود. برای حدود وسط نیز میانگین حسابی خانه‌های وسط نوشته می‌شود.

پس از تشکیل جدول فازی ادغام شده از پرسش‌نامه‌ها، میزان ناسازگاری داده‌های جدول مورد بررسی قرار گرفت. ناسازگاری بدین معناست که اگر متغیر A از متغیر B مهم‌تر باشد و متغیر B از متغیر C مهم‌تر باشد، طبق اعداد جدول متغیر A از متغیر C با همان نسبت مسیر مهم‌تر است. میزان عدم تناسب این مسیرها را ناسازگاری می‌گویند. در این پژوهش، ناسازگاری به‌دست‌آمده از حد میانی اعداد فازی، برابر ۰/۰۶ و ناسازگاری حاصل از حد بالایی و پایینی اعداد فازی جدول ادغامی ۰/۰۸۵ و هر دو کمتر از ۰/۱ است و جدول فازی ادغامی سازگار به حساب می‌آید.



جدول ۳. ماتریس سازگار شده مقایسه دوجه‌دوی فازی

پایام خطمشی‌های پیشین	عوامل اجتماعی	قوانین	تشکیلات اجرایی	اطلاعات	عدالت	توانمندی شهروندان	باورهای شهروندان
۱	۰/۴۶	۱/۰۳	۰/۴۶۲	۰/۴۷۹	۰/۳۶۲	۰/۲۲۵	۰/۳۸۷
۱/۹۱۹	۱	۰/۲۰۶	۰/۳۸۲	۰/۳۲۲	۰/۲۵۸	۰/۳۳	۰/۳۶۲
۴/۱۶۴	۴/۰۱۹	۱	۳/۰۰۶	۳/۰۲۱	۲/۱۵۱	۲/۰۴۲	۱/۹۳
۲/۰۸۲	۱/۸۳۳	۰/۲۱۸	۱	۱/۹۴۰	۰/۲۷۵	۰/۶۱۶	۰/۶۲۸
۱/۰۵۷	۱/۹۸۴	۰/۴۹۷	۰/۴۲۸	۱	۰/۴۵۹	۰/۵۸۱	۰/۵۰۳
۴/۱۳	۳/۹۶۴	۰/۵۶۱	۳/۰۱۹	۳/۱۴۶	۱	۲/۰۲۱	۲/۰۹۵
۲/۹۴۲	۳/۱۱۶	۰/۵۰۵	۱/۸۹۰	۲/۰۶۱	۰/۴۵۳	۱	۲/۱۳۹
۲/۹۲۵	۲/۹۵۳	۰/۵۱۶	۲/۱۲۵	۲/۰۲۲	۰/۶۱۵	۰/۴۶۴	۱

برای محاسبه وزن متغیرهای پژوهش، از روش آنالیز توسعه چانگ استفاده شد که مخصوص تحلیل ماتریس مقایسات زوجی است. با توجه به وزن‌های محاسبه شده از طریق آنالیز چانگ، متغیرهای مؤثر بر مشارکت شهروندان در خطمشی‌های نظام آموزشی و پرورشی به این ترتیب اولویت‌بندی شدند: قوانین، عدالت، تشکیلات اجرایی، اطلاعات، باورهای شهروندان، توانمندی شهروندان، عوامل اجتماعی و پیامد خطمشی‌های پیشین.

جدول ۴. ترتیب و وزن عوامل

عامل	قوانین	عدالت	تشکیلات اجرایی	اطلاعات	باورهای شهروندان	توانمندی شهروندان	عوامل اجتماعی	پیامد خطمشی‌های پیشین
وزن	۰/۲۳۶	۰/۲۲۴	۰/۱۷۳	۰/۱۵۸	۰/۱۰۵	۰/۰۷۶	۰/۰۱۸	۰/۰۰۶
اولویت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

### بخش سوم) پرتفولیوی دوبعدی SEM-AHP

حال که نتایج دو روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی مشخص شد، لازم است تا با نگاهی عمیق‌تر با رویکرد تعمیق شناخت از وضعیت موجود و استنباط دانش از اطلاعات موجود، بین یافته‌های دو روش پیاده‌سازی شده با نوآوری ارتباط برقرار کنیم. این عمل موجب می‌شود تا درک کامل‌تری ابتدا از یافته‌های پژوهش و سپس اقدامات مورد نیاز جهت مشارکتی‌تر نمودن فضای تعلیم و تربیت داشته باشیم.

با توجه به اینکه خروجی دو روش این پژوهش هر دو از نوع کمی هستند و این قابلیت را دارند تا در محورهای مختصاتی مرتب شوند؛ می‌توان از این فرصت بهره برد و با نوعی نوآوری، یک مدل دو بُعدی تعریف کرد که در یک محور آن، میزان تبیین‌پذیری بر اساس خروجی مدل‌سازی معادلات ساختاری قرار دارد و در محور دیگر، یافته‌های تحلیل

سلسله‌مراتبی فازی. اگر میزان تبیین‌پذیری عامل را به دو قسمت تبیین‌پذیری کم و زیاد تقسیم و آن را برای اهمیت وزن‌ها تکرار کنیم، خواهیم دید که در مدل نوین پژوهش حاضر، چهار خوشه طبق جدول ۵ ایجاد خواهد شد. به‌منظور درک بهتر، برای هر یک از این چهار خانه نامی انتخاب شده است که در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود.

جدول ۵. نحوه خوشه‌بندی عوامل بر اساس تبیین‌پذیری و وزن

نام خوشه	اهمیت وزنها	تبیین‌پذیری
اقدام فوری	بالا	بالا
مطلوب	پایین	بالا
پژوهشی	بالا	پایین
نظارت	پایین	پایین

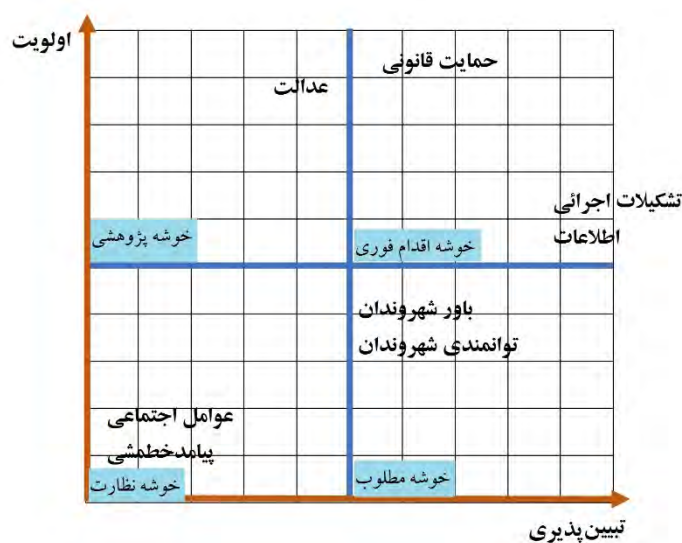
بر اساس پرتفولیوی ارائه‌شده در جدول ۵، چهار شرایط مختلف برای یافته‌های قسمت‌های اول و دوم روش تحقیق ارائه شده است. در صورت تبیین‌پذیری و وزن بالای عامل، آن را در خوشه اقدام فوری دسته‌بندی کردیم. این نام‌گذاری به این دلیل است که وقتی راه مواجهه با عامل و طریقه بهبود آن مشخص است و از طرفی، آن عامل اهمیت بسیار زیادی دارد، بهتر است هرچه زودتر دست به‌کار شده و در جهت مشارکتی کردن آن اقدام شود.

در خوشه مطلوب، عواملی دسته‌بندی شده است که تبیین‌پذیری زیادی دارند؛ اما اهمیت آن‌ها در مقایسه با سایر عوامل زیاد نیست. این خوشه را مطلوب نام‌گذاری کردیم؛ چون از کم‌وکیف بهبود آن آگاهییم و همچنین، این عامل برای مشارکتی کردن حیاتی نیست و قادریم که در زمان مناسب با حداکثر بهره‌وری آن را توسعه دهیم.

در خوشه پژوهشی، برخلاف خوشه مطلوب، اهمیت وزن‌ها زیاد است و به واکنش سریع نیاز دارد؛ اما به جهت آنکه تبیین‌پذیری آن کم است، باید درباره آن بررسی‌های جانبی صورت پذیرد تا شرایط بهبود این عامل به‌طور کامل کشف شود.

در خوشه نظارت نیز، هم تبیین‌پذیری کم وجود دارد و هم عوامل وزن کمی دارند. این خوشه از قید فوریت خارج است. در این خوشه نیاز است تا با مطالعه همه‌جانبه و در زمان مناسب اقدامات را انجام داد.

بعد از تبیین خوشه‌ها، عوامل در یک نمودار دوتبعدی جای‌گذاری شدند. طبق این نمودار، در خوشه اقدام فوری سه عامل حمایت قانونی، تشکیلات اجرایی و اطلاعات وجود دارد. اهمیت تشکیلات اجرایی و اطلاعات، تقریباً برابر است؛ اما حمایت قانونی در اولویت بیشتر با تبیین‌پذیری کمتر قرار دارد. عامل عدالت در خوشه پژوهشی قرار گرفته است. باور و توانمندی شهروندان در خوشه مطلوب و عوامل اجتماعی و پیامد خطمشی در خوشه نظارت قرار گرفتند.



شکل ۴. پور تفولوی دو بُعدی SEM-AHP

## بحث

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در نظام خطمشی‌گذاری حوزهٔ تعلیم و تربیت، به دنبال پاسخ به این سؤال بود که در زمان اجرای پژوهش، این عوامل از لحاظ روابط درونی، نسبت به یکدیگر در چه سطحی قرار دارند و همچنین، وزن هر یک از این عوامل در موقعیت کنونی چگونه تسهیم می‌شود تا از این تبیین، بتوان راه کارها و پیشنهادهای مناسب و مقتضی ارائه کرد. در این بخش، ابتدا قسمت اول یافته‌ها که همان نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی می‌شود. در قسمت بعد، یافته‌های قسمت دوم که نتایج حاصل از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی است، به بحث گذاشته می‌شود. در انتها، یک مدل دو بُعدی، بر اساس یافته‌های دو روش ارائه می‌شود و جایگاه هر عامل در این پرتفولیو مشخص و دربارهٔ آن بحث خواهد شد.

## تبیین پذیری

در مرحلهٔ اول پژوهش با توجه به مدل مفهومی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. بعد از تشکیل مدل اندازه‌گیری، اعتبار و اگر و هم‌گرایی آن بررسی و بر اساس معیارهای مستخرج تأیید شد؛ سپس معیارهای برازش مدل بررسی شد و مدل در سطح مطلوبی به تأیید رسید. همچنین در این مرحله، هر یک از مسیرهای مدل مفهومی، به‌عنوان یک فرضیه تحلیل و همهٔ فرضیه‌ها تأیید شدند (جدول ۲). بعد از تأیید فرض روابط موجود در مدل مفهومی ارائه‌شده، ضرایب رگرسیون در مدل استاندارد معادلات ساختاری محاسبه و در قالب جدول ۲ ارائه شد. این ضرایب، توصیفی از حد تبیین متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل خود هستند.

بر اساس یافته‌های روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و ضرایب رگرسیون‌های ارائه‌شده در این پژوهش، عوامل اجتماعی، به‌عنوان تکیه‌گاه و سرآغاز حرکت‌های اجتماعی با ضریب تأثیر  $0/96+$  مبین بسیار مناسبی برای حمایت‌های

قانونی از مشارکت‌های شهروندان در نظام آموزش و پرورش معرفی شده است که از هر دو حیث ادبیات نظری و وقایع کنونی اجتماعی بسیار مقبول است. وضع قانون در جامعه، از عوامل محدودی تأثیر می‌پذیرد که یا به دنبال کاهش اثرهای پدیده‌های نامطلوب فعلی و محتمل است یا پیش‌نگر و تحول‌خواه. زمینه بروز و ظهور این پدیده‌ها جامعه است که شهروندان را تحریک می‌کند تا از حکمرانان قوانین متناسب را مطالبه کنند یا نخبگان را وادارند تا آینده‌ای را به تصویر بکشند. بی‌شک قانون‌گذاران در خلأ تصمیم‌گیری نمی‌کنند و نحوه برداشت و ادراکشان از وقایع محیطی، در طرح‌ها و لوایح بروز و ظهور می‌یابد (افجه، قربانی‌زاده و حیدری، ۱۳۹۷). با این وصف، طبق مدل، اولین گام در مسیر مشارکت‌جو کردن جامعه، توجه به محیط پیرامونی است. در نظام آموزش و پرورش کشور، گرچه روندهای انفرادی از جانب اولیا برای هدایت تحصیلی و برنامه‌ریزی آموزشی فرزندان صورت گرفته است که به تنظیم مقرراتی در محدودسازی اعمال نظرهای شخصی در جهت تطبیق با برنامه‌های ملی منجر شده است؛ اما متأسفانه شاهد رویکرد جذب و جلب نظرها و تلاش خانواده‌های دانش‌آموزان نیستیم، این در حالی است که روندهای اجتماعی زمینه‌های بازتولید اقدام‌های منفردانه را فراهم آورده است، اقدام‌هایی که واکنشی از سوی اولیاست؛ اما واکنش صحیح قانون‌گذاران را مطالبه می‌کند. در بررسی رابطه بین حمایت قانونی و تشکیلات اجرایی، شاهدیم که طبق جدول ۲، رابطه‌ای بسیار قوی بین این دو عامل وجود دارد. این موضوع را این طور می‌توان تفسیر کرد که هر اقدام حقوقی همانند وضع قانون و مقررات، نتیجه‌ای بسیار فوری و بی‌واسطه بر تشکیلات اجرایی خواهد گذاشت. اگر فرض کنیم هر ساختار حکمرانی حاصل از قدرت نهایی، چه به صورت توافق بر تقسیم قدرت یا تسلیم در برابر غالب شکل گیرد، این قدرت است که می‌تواند ساختار مطلوبش را شکل دهد. با این فرض، مشارکت شهروندان در هر سطح از مدل این پژوهش، تضمین‌کننده کیفیت حضور ایشان در مراحل بعدی است.

در مقایسه با حکومت‌های مبتنی بر فرمان در دوران پیشین، قدرت در انواع امروزی حکمرانی، بیشتر خود را به شکل قدرت وضع قانون نشان می‌دهد. وضع قانون این قابلیت را دارد که بر نهادهای حکمرانی بدنه خود بیشترین تأثیر را بگذارد؛ اما اینکه بتواند بر اجتماع نیز تأثیر مطلوبی بگذارد، موضوع پُربحث رشته خط‌مشی‌گذاری عمومی است که چالش‌های توفیق قوانین، موضوع بخش اعظمی از مجادله‌ها بوده است.

بین حمایت قانونی و اطلاعات نیز، بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه‌ای قوی همانند رابطه بین حمایت قانونی و ساختار اجرایی وجود دارد. قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در ماده ۱۰ و در جهت ترویج شفافیت، منافع عمومی و حقوق شهروندی، کلیه مؤسسه‌های عمومی را جز در مورد اطلاعات طبقه‌بندی شده، به انتشار اطلاعات عمومی مرتبط با آن مؤسسه ملزم کرده است. اطلاعات مورد نیاز شهروندان در جهت مشارکت را می‌توان دو دسته در نظر گرفت (محسنی، هاشمی، جاوید و عباسی، ۱۳۹۸). اول، هر آنچه از مطالعه و بررسی جامعه به دست آمده است و دوم، آنچه به تصمیمات و اقدامات دولت مربوط می‌شود. همانند آنچه در حوزه آموزش و پرورش در حال رخ دادن است، در صورت عدم وجود اطلاعات شفاف و بهنگام، شهروندان به استنباط بر اساس اطلاعات در دسترس اقدام می‌کنند که نتیجه آن، رقابت برای به دست آوردن صندلی‌های رشته‌های خاص دانشگاهی و شکل‌گیری بازار ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی

کنکور است. این قانون است که وجود اطلاعات صحیح بهنگام را تضمین می‌کند و بر اساس یافته‌های این پژوهش، از طریق قانون‌گذاری، به‌راحتی می‌توان این موضوع را کنترل کرد و سطح آن را بهبود داد.

در سطح بعدی مدل، عامل عدالت و انصاف به‌تنهایی جای گرفته است که از دو عامل تشکیلات اجرایی و اطلاعات تأثیر می‌پذیرد. در این پژوهش ضریب تأثیر تشکیلات اجرایی بر عدالت ۰/۵۷ و ضریب تأثیر اطلاعات بر عدالت ۰/۴۷ به‌دست آمده است. در مقایسه با تبیین‌پذیری در سطح قبل که با امور اجرایی مرتبط است، تبیین‌پذیری عدالت بسیار کاهش یافته و تقریباً نیمی از آن است. همچنین شاهدیم که تأثیر عامل اطلاعات بر عدالت، کمتر از تشکیلات اجرایی است.

نظریه‌ها و پژوهش‌ها دربارهٔ عدالت سازمانی را می‌توان در قالب سه موج ارزیابی کرد. موج نخست بر محور عدالت توزیعی، موج دوم عدالت رویه و موج سوم عدالت مراوده‌ای مبتنی است (ندیری و تانوا، ۲۰۱۰). عدالت تعاملی، به‌عنوان موج سوم، دو وجه جداگانه دارد: عدالت بین فردی و عدالت اطلاعاتی (نصیری ولیک بنی، بهشتی راد، ۱۳۹۳). عدالت بین فردی، به میزانی اشاره دارد که با افراد با احترام و ادب رفتار می‌شود و عدالت اطلاعاتی، تلقی فرد از منصفانه‌بودن نظام‌ها و کانال‌های ارتباطی است (کولوئیت، ۲۰۰۱).

بر این اساس، ادبیات عدالت مؤید یافته‌های پژوهش در دستیابی به عدالت مشارکتی است؛ اما نکتهٔ تأمل‌برانگیز، میزان تبیین‌پذیری عدالت بر اساس دو عامل معرفی شده است. در این پژوهش، دلیل چشمگیر نبودن میزان تأثیر دو عامل تشکیلات و اطلاعات را که با عدالت ارتباطی بروز می‌کنند، می‌توان این‌طور تفسیر کرد که در کل، روی حضور یا عدم حضور عدالت در فضای پدیدارشناختی ذهنی و ادراکی افراد تأکید می‌شود (نصیری ولیک بنی، بهشتی راد، ۱۳۹۳). تأکید بر واژهٔ ادراک‌شده در حوزهٔ عدالت، به این واقعیت اشاره دارد که حضور یا عدم حضور عدالت در فضای پدیدار شناختی ذهنی و ادراکی افراد اهمیت دارد (گل‌پرور و اشجج، ۱۳۸۹). پس می‌توان قسمتی از عدم تحقق تأثیر عوامل سطح پایین‌تر بر عدالت مدنظر این پژوهش را ادراکات ذهنی افراد دانست که ممکن است از روندها و خبرهای روزانه یا تجربیات زیسته از فساد ادراک‌شده در اقتصاد و اداره نشئت گرفته باشد.

در سطح نهایی یا همان سطح شهروندی، عدالت بر عامل شهروندی به نام‌های توانمندی شهروندان و باورهای شهروندان مؤثر است. عدالت با ضریب رگرسیون ۰/۶۵ بر باورهای شهروندان و ۰/۶۱ بر توانمندی شهروندان تأثیر می‌گذارد. این سطح شهروندی، دو مسیر متفاوت در حوزهٔ شهروندی را شامل می‌شود که از مفهوم عدالت ریشه گرفته است. مفهوم اول، عدالت ادراک‌شده را با عنوان باورهای شهروندان در مشارکت توصیف می‌کند و مسیر دیگر، کارکرد عدالت در شکوفایی استعدادها و افزایش سرمایهٔ اجتماعی را تبیین می‌کند.

با توجه به رگرسیون‌های ارائه‌شده در سطح شهروندی، می‌توان گفت که با بسط عدالت در جامعه، راه زیادی از نیل به جذب مشارکت شهروندان سپری شده است. هرچند این رابطه بسیار قوی نیست و نمی‌توان در عمل، یک رابطهٔ علی

همانند رابطه بین حمایت قانونی و دستگاه اجرایی را شاهد بود؛ اما می‌توان از رشد مشارکت با افزایش عدالت در جامعه مطمئن بود.

در اینجا نیز اثر ذهنی - تفسیری بودن عدالت مشاهده می‌شود که ممکن است در عین حال که شهروندی شرایط را عادلانه فرض کند، شهروندی دیگر به عادلانه بودن آن تردید کند. باقی‌مانده از ضریب تأثیر عدالت بر روندهای شهروندی، می‌تواند ناشی از صفات شخصی افراد جامعه باشد، افرادی که دارای ماهیت مشارکت‌جو، مهارت اجتماعی زیاد با قابلیت اعتماد بیشتر نسبت به سایر افراد جامعه هستند که بر باورها و توانمندی‌های شهروندان تأثیر می‌گذارند. کارکرد عدالت در این قسمت، به این صورت است که با وجود همه تفاوت‌های شخصی، فرصت برابر را برای همه مهیا می‌کند تا از رهگذر مشارکت همه افراد، به خواسته‌های مشروع خود دست یابد.

### اهمیت عوامل (وزن‌دهی)

در مرحله دوم پیاده‌سازی روش پژوهش، عوامل معرفی شده در مدل مفهومی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی بررسی شده است. از آنجایی که در روش تحقیق اولیه این پژوهش، فقط میزان تبیین‌پذیری یا همان تأثیر هر عامل بر عامل دیگر بررسی و ارائه شده بود، نیاز بود تا در شرایط فعلی نیز، وزن هر یک از عوامل یا همان اولویت‌بندی آن مشخص شود.

بر اساس جدول ۴، عامل قانون در بین همه عوامل بیشترین وزن را دارد. بعد از آن، عدالت است که با اندکی وزن کمتر در رتبه دوم اهمیت قرار گرفته است. در جایگاه سوم، عامل تشکیلات اجرایی و بعد از آن، اطلاعات در جایگاه چهارم است. عوامل شهروندی در جایگاه پنجم و ششم قرار دارد و در نهایت، عوامل اجتماعی در جایگاه هفتم و بعد از آن، پیامد خطمشی‌های پیشین در جایگاه هشتم است.

با مشخص شدن اولویت هر یک از این عوامل، می‌توان بر نقطه تمرکز اقدامات در بازه زمانی فعلی اشراف یافت. بر اساس یافته‌ها، در قلمرو زمانی این پژوهش، مهم‌ترین نقاط تمرکز بررسی، عوامل حمایت قانونی و عدالت است. این دو عامل در کنار یکدیگر، تقریباً به اندازه شش عامل دیگر اهمیت و وزن دارند. این موضوع را این طور می‌توان تفسیر کرد که نیاز اساسی کنونی جامعه، قانون مشارکتی و عدالت مشارکتی در حوزه دستگاه تعلیم و تربیت است.

در نیم دیگر وزن‌ها، بعد از دو عامل مذکور، به ترتیب عوامل تشکیلات اجرایی و اطلاعات در اولویت است که وزن نسبی آن‌ها در مجموع، یک سوم کل وزن‌هاست و به توجه ویژه نیاز دارند. این توجه را می‌توان بعد از تدوین خطمشی‌ها که در بخش عامل حمایت اتفاق افتاد، بیشتر در بخش اجرا و ارزیابی دانست. مصون داشتن دستگاه اجرایی از سوءکارکردهای بروکراتیک و احیاناً فساد و رانت و همچنین، پیاده‌سازی فرهنگ کار مشارکتی در بین کارکنان دستگاه تعلیم و تربیت، از جمله اقدام‌های مورد نیاز برای این عوامل است.

چهار عامل بعدی، یعنی عوامل شهروندی و عوامل اجتماعی و پیامد خطمشی‌های پیشین، کمتر از یک پنجم مجموع وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع را این طور می‌توان مطرح کرد که آنچه امروز سطح مشارکت را تقلیل داده است، بیشتر به دولت برمی‌گردد تا مردم. اولیا را به‌عنوان ذی‌نفعان مستقیم اقدامات دستگاه آموزشی، نمی‌توان

به عدم مشارکت یا بی‌تفاوتی متهم کرد؛ زیرا آن‌ها تلاش خود را انجام می‌دهند؛ اما به دلیل اینکه اقدام مناسب و مؤثر را برنامه‌ریزی و هدایت تحصیلی فرزندانشان نمی‌بینند، خود منفردانه حرکت می‌کنند. پس این بی‌مشارکتی را نباید بی‌عملی و بی‌رغبتی به اصل موضوع تعلیم و تربیت تفسیر کرد و نظام آموزش و پرورش را مبرا دانست.

### پرتفولیوی SEM-AHP

در قسمت آخر روش پژوهش، بر آن بودیم تا با استفاده از اطلاعات مستخرج از دو روش تحقیق پیاده‌سازی شده، دانشی افزون بر یافته‌های منفک داشته باشیم. از این رو با استفاده از روشی نوآورانه، یافته‌های مستخرج از روش‌های پژوهش را در یک مدل دو بُعدی باهم مرتبط ساختیم تا بتوانیم در حوزه مشارکت شهروندان در حوزه تعلیم و تربیت، دانش بیشتری کسب کنیم.

بر اساس شکل ۴، سه عامل پُراهمیت حمایت قانونی، تشکیلات اجرایی و اطلاعات در خوشه اقدام فوری قرار گرفتند. در این خوشه دو مزیت وجود دارد: اول، از روابط تبیین شده علی باخبریم و دوم، می‌دانیم این عوامل در اولویت اقدام قرار دارند، پس هم دانش مواجهه با آن وجود دارد و هم این اقدام ضرورتی است. از این رو نامیدن این خوشه به نام اقدام فوری شایسته به نظر می‌رسد.

عامل عدالت به‌تنهایی در خوشه پژوهشی قرار دارد. این عامل اهمیت بسیار زیادی دارد؛ اما از آنجایی که ذهنیت تفسیری شهروندان جایگاه مؤثری بر درک عدالت دارد (بحث شده در قسمت قبل)، لازم است تا با شناخت کامل وارد عرصه عمل شد تا بتوان علاوه بر بهبود عوامل ساختاری مؤثر بر عدالت، بر عوامل ذهنی - تفسیری شکل‌دهنده عدالت ادراک شده توسط شهروندان مؤثر بود.

دو عوامل شهروندی در خوشه مطلوب قرار گرفتند. این خوشه از حیث تبیین‌پذیری و وزن، درجات مطلوبی است و از آنجا که اهمیت این دو عامل متوسط است، به اقدام فوری نیاز ندارند و می‌توان با صبر و تأمل بیشتری پس رسیدگی به عوامل پُراهمیت‌تر، وارد عرصه اقدام شد.

عوامل اجتماعی و پیامد خط‌مشی‌های پیشین، به دلیل اولویت کم و مشخص نبودن قابلیت تبیین‌پذیری، طبق مدل در خوشه نظارت قرار دارند. تغییر این عوامل در کوتاه‌مدت ممکن نیست و لازم است تا با دقت در سیر زمانی و فراز و فرودهای آن، بر آثار این عوامل بر مشارکت نظارت کرد تا بتوان ضمن بهره‌بردن از فرصت‌های محیطی، آثار تهدیدهای آن را به حداقل رساند.

در اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جذب مشارکت، در زمینه‌های دیگر دولتی، یافته‌های مشابهی در پژوهش‌های مختلف به‌دست آمده است. در پژوهش «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مشارکت عمومی در پرداخت مالیات»، عادلانه و منصفانه بودن نظام مالیاتی، بالاترین اولویت را در افزایش مشارکت در پرداخت مالیات به خود اختصاص داده است (قرنجیک، هادوی نژاد و ضیال‌الدینی، ۱۳۹۹). در پژوهش مذکور، بعد از عدالت، اعتماد عمومی عنوان شده است؛ اما در پژوهش حاضر این عامل در قالب باور شهروندان، درجه اهمیت کمتری دارد که این تفاوت را می‌توان از حیث فرهنگی بودن حوزه نظام آموزش و پرورش و ساختاری بودن حوزه مالیات دانست.

در پژوهش جهانبانی، احمدی و بهزادفر (۱۴۰۰) در ارتباط با مشارکت شهروندان در حوزه توسعه شهری، رتبه اول اهمیت عوامل، از آن اعتماد به مشارکت بوده است. به زعم نویسندگان این پژوهش، برای درک صحیح تری از دلیل مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان، نیاز است تا عوامل اعتمادساز شناسایی شود. همچنین از قوای سه گانه تقنین، اجرا و قضا و ساختار حکمرانی نباید غافل شد.

در «واکاوی مفهوم مشارکت شهروندی»، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان، به دسته عوامل سازمانی و عوامل انسانی تقسیم شده‌اند. عوامل سازمانی نیز به دو دسته نرم و سخت و عوامل انسانی نیز به دو دسته عوامل مرتبط با متولیان و شهروندان تقسیم شده است (محمدزاده، پیران نژاد و مختاریان پور، ۱۴۰۰). پژوهش مذکور، از حیث تصویر کلی از عوامل با پژوهش کنونی هم‌راستا است؛ اما مزایای متعددی در پژوهش کنونی با توسعه روش‌های کمی و ایجاد ارتباط بین یافته‌ها و همچنین، نگاه سطح‌بندی وجود دارد که در پژوهش‌های دیگر دیده نشده است.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و همچنین روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی توانسته است با نگاهی کمی، واقعیت‌های سنجش‌پذیری را برای درک صحیح از مدل مفهومی پژوهش ارائه دهد. در این پژوهش، علاوه بر تحلیل کمی و ارائه تبیین‌های کیفی از یافته‌ها، تلاش شد که در یک مدل واحد، یافته‌های منفک دو روش پژوهش ارائه شود تا از یافته‌ها به درک همبسته‌ای رسید.

مدل مفهومی پژوهش در یک شکل نردبانی پنج سطحی ارائه شده است (شکل ۱). سطح اول شامل عوامل اجتماعی، سطح دوم سطح تقنینی، سطح سوم سطح اجرا، سطح چهارم قضا و سطح پنجم سطح شهروندی است. در قسمت اول پیاده‌سازی روش تحقیق، میزان تأثیر هر عامل بر عامل دیگر طبق مدل مفهومی بررسی شد. سپس در قسمت دوم روش پژوهش، این عوامل با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی مورد ارزیابی قرار گرفت و وزن هر یک از این عوامل به دست آمد. در مرحله سوم، با استفاده از اطلاعات حاصل از دو روش پیش گفته، یک مدل پرتفولیوی دویبعدی با چهار خوشه معرفی شد.

سطوح تقنینی و اجرایی با تبیین‌پذیری زیاد و اولویت بیشتر، در خوشه اقدام فوری قرار گرفت. عامل عدالت به تنهایی در خوشه پژوهشی جایابی شد و سطح شهروندی در خوشه مطلوب جای گرفت. دو عامل عوامل اجتماعی و پیامد خطمشی نیز در خوشه نظارت قرار گرفتند.

آنچه از این خروجی در حوزه نظام تعلیم و تربیت نتیجه می‌شود، این است که اولین اقدام و فوری‌ترین آن در زمینه جذب مشارکت شهروندان، بهبود قانون‌های حامی مشارکت و در ادامه آن، مشارکت‌پذیر کردن بدنه دستگاه دولتی و زمینه‌سازی گردش اطلاعات صحیح و به‌موقع است. در صورت موفقیت در زمینه توسعه گفت‌وگو مشارکتی در سطح اجرا، باید توجه شود که به دلیل نردبانی بودن مدل مفهومی، فضای مناسبی برای بسط عدالت مشارکتی پدید خواهد آمد؛ اما بخشی از عدالت درک شده از سوی شهروندان، ذهنی است و خوشه پژوهشی این عامل، مؤید این است که نیازمندیم تا



مفسران بیشتری برای توسعه این عامل بیابیم. جایگاه دو عامل باورها و توانمندی‌های شهروندان در خوشه مطلوب نیز بسیار قابل تبیین است. از یک سو با بسط عدالت، شرایط برای ارتقای مهارت شهروندی و فرصت برابر مهیا می‌شود و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن اولویت کمتر آن‌ها نسبت به عوامل مذکور، خودبه‌خود زمینه رشد این عوامل با رشد عوامل پُراهمیت‌تر مهیا می‌شود. خوشه نظارت نیز به دلیل در اولویت‌نبودن عوامل موجود در آن و همچنین، تبیین‌پذیری نامشخص آن طبق مدل مفهومی (به حیث زمان‌بر بودن تغییر این عوامل و همچنین، گسترده بودن عوامل مؤثر بر آن بر اساس چارچوب ائتلاف مدافع) نیاز دارد تا مورد مذاقه قرار گیرد و به‌عنوان یک ورودی از جامعه در نظام حکمرانی آموزشی و پرورشی با ابزار مشارکت اصلاح و تقویت شود.

در این پژوهش تلاش شد که مناسب‌ترین تفسیر کیفی با اطلاعات منتج از روش‌های کمی ارائه شود؛ اما هر روش تحقیق تفسیر خاص خود را ارائه می‌دهد. بنابراین برای تکمیل این پژوهش، بررسی ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های مرتبط با عوامل معرفی شده از طریق روش SWOT توصیه می‌شود.

### پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش که از پیاده‌سازی دو روش کمی معادلات ساختاری و تحلیل فازی به‌دست آمد و در قالب یک مدل دو بُعدی SEM-AHP ارائه شد و همچنین با عنایت به معرفی جایگاه عوامل در خوشه‌های چهارگانه، پیشنهادها زیر برای کاربست در نظام تعلیم‌وتربیت در سطوح تقنینی، اجرایی و قضایی ارائه می‌شود:

۱. بنابر اهمیت زیاد و قابلیت تبیین‌پذیری مناسب عامل حمایت قانونی در مشارکت شهروندان، لازم است تا در اولین گام، قوانین حامی مشارکت در نظام تعلیم‌وتربیت بازنگری شود و بر اساس نیازها و اقتضای جامعه توسعه یابد. دسترسی شهروندان به سطوح بالای تدوین خطمشی‌های آموزشی و پرورشی محدود است و می‌بایست فرایندها و ابزارهای احصای نظر شهروندان و انعکاس آن در خطمشی‌ها ایجاد شود؛ با توجه به روندهای اجتماعی، درصدد اصلاح روندهای منفی و تقویت روندهای مثبت برآمد؛ ضعف‌ها و قوت‌های خطمشی‌های پیشین در ارتباط با مشارکت را شناخت و از طریق قانون به بهبود آن دست یافت.
۲. عدالت مشارکتی که دومین رتبه در اهمیت وزن‌ها را دارد و جایگاه خوشه پژوهشی را به خود اختصاص داده است، نیاز دارد تا به‌طور متفاوت‌تری بررسی شود. ذهنی و تفسیری‌بودن عدالت در جامعه، باعث می‌شود که تنها عوامل ساختاری، تضمین‌کننده عدالت ادراک‌شده در مشارکت نباشد. لازم است تا از طریق شناخت عوامل مؤثر بر این ادراکات ذهنی و همچنین، بهبود عوامل ساختاری همچون قانون، در قلمرو زمانی معین، به توسعه آن اقدام شود.
۳. فرایندها، ابزارها، ساختارها و نگرش مدیران در قالب تشکیلات اجرایی، سومین عامل مهم در این پژوهش است. این عامل که در خوشه اقدام فوری قرار دارد با قابلیت تبیین‌پذیری زیاد، در زمان کوتاهی از طریق قانون‌گذاری بهبود می‌یابد؛ اما باید توجه شود که فرهنگ مشارکتی در سازمان‌ها، به ایجاد روحیه مشارکتی نیاز دارد؛ بنابراین در ضمن ایجاد ساختار مشارکتی، نباید از فرهنگ مشارکتی غافل شد.

۴. وجود اطلاعات صریح و به موقع عامل بسیار مهمی در توسعه مشارکت است. اطلاعات نیز با جایگاه خود در خوشه اقدام فوری پژوهش، می تواند به سرعت آثار خود را در مشارکت جو نمودن اولیا نشان دهد. لازم است تا اطلاعات موجود در نظام تعلیم و تربیت که برای خانواده ها اهمیت دارد، به جامعه ارائه شود، از قبیل اطلاعات از شرایط فعلی جامعه، پیش بینی ها از آینده و همچنین، برنامه های بلندمدت تا اعتماد شهروندان به مشارکت از طریق درک صداقت حکمرانی جلب شود.
۵. پس از اقدام های فوق، عوامل شهروندی در خوشه مطلوب تا حد زیادی تحت تأثیر قرار گرفته اند و لازم است در این مرحله برنامه های و فرایندهایی جهت جذب مساعی و توسعه توانمندی آنان صورت پذیرد. برنامه های حضوری، درگیر کردن شهروندان با امر آموزش، تفویض اختیار و اقتدار و همچنین، برنامه های توانمندسازی شهروندی از اقدام های مطلوب و مورد انتظار در این سطح است.

## منابع

- آتش سوز، علی (۱۳۹۴). مدل سازی تفسیری - ساختاری ریسک های زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی. *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۴(۴۱)، ۳۹-۷۳.
- ابراهیمی کیاسری، حمیدرضا؛ الوانی، سیدمهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۲). طراحی الگوی مشارکت شهروندان در خط مشی های آموزشی و پرورشی. *مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، ۱۳(۴۶).
- افجه، سید علی اکبر؛ قربانی زاده، وجه الله؛ حیدری، الهام (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر ادراک در فرایند قانون گذاری. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۲۷(۸۸)، ۵۱-۷۴. DOI: 10.22054/jmsd.2018.8927
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۱). راهکارهای مشارکت عامه مردم در خط مشی گذاری عمومی. *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، ۱۳(۵۲۲)، ۱۷-۵.
- پورحسن، سمیه؛ فرچوند، اسفندیار (۱۳۹۸). بررسی نقش رسانه های اجتماعی بر مشارکت شهروندان در فرایند بودجه بندی مشارکتی. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۳)، ۳۵۵-۳۷۶.
- پورعزت، علی اصغر؛ سوداگر، هاشم؛ سعدآبادی، علی اصغر؛ هاشمی کاسوایی، میناسادات (۱۳۹۸). شاخص های اولویت بندی عادلانه مسائل عمومی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱۳(۲)، ۱۳۹-۱۶۹.
- جهانبانی، محمدعلی؛ احمدی، ملیحه؛ بهزادفر، مصطفی (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت بندی عوامل تأثیرگذار بر تقویت مشارکت جمعی در اجرای طرح های توسعه شهری (مورد پژوهش: کلانشهر تهران). *نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۴(۳)، ۴۷۷-۵۰۴.
- خجسته، محمد مهدی؛ قدسی پور، سید حسن (۱۳۹۷). تدوین مدل رده بندی حق ثبت اختراع با روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی. *اولین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در مدیریت کسب و کار و حسابداری با تأکید بر ارزش آفرینی و اقتصاد مقاومتی*، تهران.

- دقتی، عادلہ؛ یعقوبی، نورمحمد؛ کمالیان، امین‌رضا؛ دهقانی مسعود (۱۳۹۸). ارائه الگوی توسعه مرحله‌ای حکمرانی شبکه‌ای با استفاده از رویکرد فراترکیب. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۲۰۳-۲۳۰.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۹۰). *روش تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.
- صفری دشتکی، محمد؛ زارع، رضا؛ نیک بخش محمد علی (۱۳۹۷). تبیین عوامل ساختاری مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های خطمشی (مطالعه موردی: نظام کارآفرینی ایران). *مدیریت دولتی*، ۱۰(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- فاضل، رقیه؛ مهram، بهروز؛ حسینی زاده، رضوان؛ نوغانی دخت بهمنی، محسن (۱۴۰۱). جایگاه مشارکت و ابعاد آن در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد فرادست. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی*، ۱۴(۲۷)، ۱۳-۴۶.
- فتح‌اللهی، علی اکبر (۱۳۸۴). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم‌یابی مقیاس سنجش سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر، برای مدیران مؤسسات آموزش عالی تهران. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۱(۲)، ۹۳-۱۱۲.
- فطانت فرد حقیقی، میلاد؛ زین آبادی، حسن‌رضا؛ آراسته، حمیدرضا؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم (۱۴۰۰). طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۱(۳۸)، ۳۲۴-۳۴۶.
- قرنجیک، اسماعیل؛ هادوی نژاد، مصطفی؛ ضیال‌الدینی، محمد (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات با استفاده از روش تاپسیس فازی. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۸(۴۶)، ۱۰۳-۱۲۸.
- گل‌پرور، محسن؛ اشجع، آرزو (۱۳۸۹). رابطه بین سازمان عادلانه با پیوستگی گروهی، احترام گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری، تعارض نقش، ارتباطات سازمانی و رضایت شغلی. *مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)*، ۱۷(۲)، ۹۹-۱۲۰.
- محسنی، وجیهه؛ هاشمی، سیدمحمد؛ جاوید، محمدجواد؛ عباسی، بیژن (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۰(۶۲)، ۳۲۱-۳۵۴.
- محمدزاده، علی؛ پیران‌نژاد، علی و مختاریان‌پور، مجید (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم مشارکت شهروندی: به‌سوی سامان‌دهی نظری. *مدیریت دولتی*، ۱۳(۳)، ۴۷۸-۵۰۵.
- نصیری ولیک بنی، فخرالسادات؛ بهشتی راد، رقیه (۱۳۹۳). بررسی نقش سقف شیشه‌ای بر کاهش عدالت سازمانی ادراک شده. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲(۴)، ۱۴۹-۱۷۲.

## References

- Afjehi, S. A. A., Ghorbani Zadeh, V., & Heydari, E. (2018). The Effective Factors on the Perception in Legislation process. *Management Studies in Development and Evolution*, 27(88), 51-74. DOI: 10.22054/jmsd.2018.8927. (in Persian)
- Alvani, S.M. (2002). Public Participation Solutions in Public Policy. *Journal of Qom Educational Complex*, 13(522), 5-17. (in Persian)

- Atashsouz, A. (2015). Interpretative Structural Modeling of Supply Chain Risks in Petrochemical Industry. *Studies of Industrial Management*, 14(41), 39-73. (in Persian)
- Bozeman, B. (2007). *Public Values and Public Interest: Counterbalancing Economic Individualism*. Washington, DC: Georgetown University Press.
- Bryson, J. M., Crosby, B. C., & Bloomberg, L. (2014). Public Value Governance: Moving beyond traditional public administration and the new public management. *Public Administration Review*, 74(4). DOI:10.1111/puar.12238
- Boyte, H. (2011). Constructive Politics as Public Work: Organizing the Literature. *Political Theory*. 39(5), 630-660.
- Colquitt, J.A. (2001). On the dimensionality of organizational justice: A construct validation of a measure. *Journal of Applied Psychology*, 86, 386- 400.
- Creighton, J. L. (2005). *The Public Participation Handbook; Making Better Decisions Through Citizen Involvement*. Jossey-Bass.
- Deghati, A., Yaghoobi, N.M., Kamalian, A.R. & Dehghani, M. (2019). Presenting a Phased Development Pattern of Network Governance Using a Meta-synthesis Approach. *Journal of Public Administration*, 11(2), 203-230. (in Persian)
- Denhardt, J.V. & Denhardt, R.B. (2003). *The New Public Service: Serving, Not Steering*, (Third Edition). Armonk, NY: M. E. Sharpe.
- Ebrahimi Kiasari, H., Alvani, S.M. & Memarzadeh Tehran, Gh. (2023). Designing Public Participation Model in Iranian Educational Policies. *Strategic Studies of public policy*, 13(46). (in Persian)
- Fazel, R., Mahram, B., Hosseingholizadeh, R. & Noghani Dokhtbahmani, M. (2021). The position of participation and its dimensions in education of the Islamic Republic of Iran according to the documents. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(2), 13-46. doi: 10.52547/MPES.14.2.13 (in Persian)
- Fetanat Fard Haghghighi, M., Zeinabadi, H. R., Arasteh, H., & Nave Ebrahim, A. (2021). Designing a Model of Governance in Higher Education. *Strategic Studies of public policy*, 11(38), 324-346. (in Persian)
- Fornell, C. & Larcker, D. F. (1981). Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50. <https://doi.org/10.2307/3151312>
- Gharanjik, E., Ziaadini, M. & Hadavi Nezhad, M. (2020). Identification and Prioritization of Factors Affecting Increasing Public Participation in Tax Payment Using Fuzzy Topsis Method. *J Tax Res*, 28 (46), 103-128. (in Persian)
- Glass, J. J. (1979). Citizen participation in planning: the relationship between objectives and techniques. *Journal of the American Planning Association*, 180-189.
- Golparvar, M. & Ashjaa, A. (2010). The Relationship between Just Organizations and Group Coherence, Griup Respect, Participation in Decision Making, Role Conflict,

- Organizational Communication and Job Satisfaction. *Journal of Humanities in Emam Hossein University*, 17(2), 99-120. (in Persian)
- Holland, R. (1999). Reflexivity. *Human Relations*, 52(4), 463-484. <https://doi.org/10.1177/001872679905200403>
- Fathollahi, A. A. (2005). Examine the feasibility, reliability, validity and norm finding measures thinking styles Sternberg - Wagner for managers of higher education institutions Tehran. *Educational Psychology*, 1(2), 93-122. doi: 10.22054/jep.2006.5962 (in Persian)
- Jahanbani, M.A., Ahmadi, M. & Behzadfar, M. (2020). Identification and prioritization of effective factors on the strengthening of community participation in the implementation of urban development projects (Case study: Tehran metropolis). *Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 13(3), 477- 504. (in Persian)
- Jenkins, W. I. (1978). *Policy analysis: A political and organisational perspective*. London: Martin Robertson.
- Khojaste, M.M., Ghodsipour, S.H. (2018). Developing A Patent Classification Model Using The Hierarchical Process Analysis Method. *The First International Conference on Innovative Approaches In Business And Accounting Management With An Emphasis on Value Creation and Resilient Economy*. Tehran, 56. (in Persian)
- Michels, A., & De Graaf, L. (2010). Examining citizen participation: Local participatory policy making and democracy. *Local Government Studies*, 36(4), 477-491.
- Mohammadzadeh, A., Pirannejad, A., & Mokhtarianpour, M. (2021). Analysis of the Concept of Citizen Participation: Towards Theoretical Organizing. *Journal of Public Administration*, 13(3), 478-505. DOI: 10.22059/jipa.2021.318539.2900. (in Persian)
- Mohseni, V., Hashemi, S.M., Javid, M.J. & Abbasi, B. (2019). Legal Analysis of the Right of Access to Information by Realizing Citizenship Rights with an Emphasis on the Iranian Legal System. *Public Law Research*, 20(62), 321-354. doi: 10.22054/qjpl.2019.32645.1860. (in Persian)
- Nabatchi, T., & Leighninger, M. (2015). *Public Participation for 21st Century Democracy*. New Jersey: John Wiley & Son.
- Nadiri, H., & Tanova, C. (2010). An investigation of the role of justice in turnover intentions, job satisfaction, and organizational citizenship behavior in hospitality industry. *International Journal of Hospitality Management*, 29, 33-41.
- Nasiri Valikbeni, F. & Beheshtirad, R. (2014). Examining the role of the glass ceiling on the reduction of perceived organizational justice. *Social psychological studies of women*, 12(4), 149- 172. (in Persian)
- Nunnally, J.C. & Bernstein, I.H. (1994). The Assessment of Reliability. *Psychometric Theory*, 3, 248-292.
- Osborne, S. (2010). *The New Public Governance?* New York: Routledge.

- Poorhasan, S. & Frajvand, E. (2019). Surveying the Role of Social Media on Citizens' Participation in the Participatory Budgeting Process. *Journal of Public Administration*, 11(3), 355-376. (in Persian)
- Pourezat, A., Sodagar, H., Saadabadi, A., Hashemi Kasvae, M. (2020). The Indicators for Prioritizing of Public Issues. *Strategic Management Thought*, 13(2), 139-169. (in Persian)
- Safari Dashtaki, M., Zare, R. & Nikbakhsh, M.A. (2018). Explaining the Structural Factors Influencing the Formation of Policy Networks; (A Survey on Iranian Entrepreneurship System). *Journal of Public Administration*, 10(1), 109 – 136 (in Persian)
- Sarmad, Z., Bazargan, A. & Hejazi, E. (2011). *Research Method in Behavioral Science*. Agah Publication. (in Persian)
- Stoker, G. (2006). Public Value Management: A New Narrative for Networked Governance. *American Review of Public Administration*, 36(1), 41–57.

